

جایگاه زنان، جوانان و اهل تسنن در کابینه دولت چهاردهم

«کابینه وحدت ملی دولت چهاردهم، باید به مطالبات ۶۰ درصد عدم مشارکتی‌ها پاسخ بدهد، به خواسته‌ها و نگرانی‌های افرادی که به پزشک‌ها رای دادند توجه نشان بدهد، باید تصویری از حضور زنان، قومیت‌های کشور از جمله اهل تسنن، جوانان و... در آن بازتاب یافته باشد.»

به گزارش سایت خبری پرسون، «۳۰۲ وزیر در طول ۴۵ سال و تنها یک وزیر زن»؛ این سهمی است که بیش از نیمی از جمعیت ایرانیان در طول ۴۵ سال گذشته از وزارتخانه‌های مختلف کسب کرده‌اند. سهمی که محمد جواد حق‌شناس آن را معنادار توصیف کرده و معتقد است، به این دلیل کابینه مسعود پزشکیان، باید بر اساس الگوی متفاوتی شکل بگیرد. در هنگام گفت‌وگو، زمانی که از حق‌شناس درباره ویژگی‌های کابینه وحدت ملی طرح پرسش می‌شود، آن را کابینه‌ای «متفاوت» ارزیابی می‌کند که در آن زنان، جوانان و اقلیت‌ها مذهبی باید متناسب با جایگاه و توانمندی‌های خود حضوری فعال و پویا داشته باشند. جالب اینجاست که سهم استان‌هایی چون تهران و اصفهان از ۳۰۲ وزیر کابینه در طول سال‌های پس از انقلاب ۳۷ درصد کل کابینه‌ها است، اما استان‌هایی چون بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد، در طول ۱۳ دولت «هیچ» بوده است!

اما زمانی که پزشک‌ها، ظرفیت و سایر یاران رئیس‌جمهور در خصوص کابینه وحدت ملی صحبت کردند، برخی این تصور در ذهن‌شان شکل گرفت که منظور پزشک‌ها کابینه‌ای ائتلافی است که هر جریان و گروهی و قشری، سهمی از آن داشته و مبتنی بر شاخص‌های مدنظر خود در آن فعالیت می‌کند. اما هر زمان که صحبت از کابینه وحدت ملی شد، در کنار آن اعلام شد که منظور از آن، کابینه ائتلافی نیست، بلکه کابینه‌ای است که در آن همه گروه‌های تاثیرگذار جامعه مبتنی بر گفتمان رئیس‌جمهور منتخب می‌توانند جایگاهی را متناسب با شایستگی‌هایشان بهره‌مند شوند. در کنار کلیدواژه‌هایی چون دولت وحدت ملی، دولت ائتلافی، موضوع تبعیض مثبت هم در بین اظهارات مقامات دولتی بازتاب‌های مثبت و منفی بسیاری پیدا کرد. رویکردی که در پیش گرفته شد تا گروه‌هایی چون زنان، جوانان و اهل تسنن مبتنی بر آن بتوانند بخشی از تبعیض‌های ریشه‌دار قبلی را جبران کنند. با توجه به وجود ابهامات بسیار در خصوص چگونگی و چرایی تشکیل دولت وحدت ملی، «اعتماد» در گفت‌وگو با کارشناسان به دنبال رمزگشایی از مفاهیمی است که در بطن این واژه‌ها گنجانده شده است. در این نوبت، محمد جواد حق‌شناس، فعال سیاسی و فرهنگی اصلاح‌طلب مخاطب پرسش‌هایی قرار گرفت تا درباره ابهامات این نوع دولت‌ها، توضیحاتی را مطرح کند.

این روزها درباره کابینه وحدت ملی زیاد صحبت می‌شود. اما مردم و حتی فعالان سیاسی به درستی از ویژگی‌های آن باخبر نیستند. از نظر شما کابینه وحدت ملی چه کابینه‌ای است؟

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها به نظرم بحث در خصوص همین کلیدواژه‌ها از جمله چرایی «کابینه وحدت ملی» است؛ هم مردمی که رای داده‌اند و هم اکثریتی که رای نداده‌اند، نگران دورنمای آینده کشورند. دولت هم وعده تشکیل کابینه وحدت ملی را داده اما مشخص نکرده که این کابینه باید چه شکل و شمایی داشته باشد.

چرا این اندازه ابهام در خصوص واژگان سیاسی در ایران وجود دارد؟ در هر نقطه‌ای جهان وقتی می‌گویید کابینه وحدت ملی، کابینه ائتلافی و... افکار عمومی می‌دانند درباره چه بحث می‌شود اما در ایران انگار ما با این واژگان بیگانه‌ایم؟

ساختارهای سیاسی در همه جهان مبتنی بر احزاب شکل می‌گیرد و پس از پیروزی در انتخابات کاملاً روشن است چه رخدادی شکل می‌گیرد. این احزاب اساسنامه و مرامنامه شفاف دارند و مردم دقیقاً می‌دانند در صورت پیروزی فلان حزب سیاسی قرار است چه نوع کابینه و راهبردی روی کار بیاید. اما از آنجا که در ایران جایگاه احزاب و نسبت آنها با انتخابات روشن نشده، دورنمای آینده برای مردم هم مشخص نیست. بسیاری از روسای جمهور در ایران بلافاصله پس از پیروزی در انتخابات با افتخار عنوان می‌کنند عضو هیچ حزب و گروهی نیستند! به‌رغم اینکه در قانون اساسی احزاب یکی از مباحث جدی حقوق ملت محسوب می‌شود، اما در قوانین عادی نسبت تحزب با قوه مجریه و میزان مشارکت احزاب در انتخابات روشن نشده است

مهم‌ترین وظیفه کابینه چیست؟ شاید از طریق تحلیل وظایف کابینه بتوان پاسخی در خصوص چرایی و چگونگی کابینه وحدت ملی صحبت کرد؟

مهم‌ترین وظیفه کابینه پاسخ دادن به مطالبات مردم است. قبل از هر عاملی، کابینه باید کابینه‌ای متخصص، شایسته، به دور از فساد و برآمده از همه ظرفیت‌های فکری، مذهبی، قومیتی و جمعیتی کشور باشد. در واقع برآیند یک جامعه متکثر مانند ایران، در کابینه‌ها ظهور و بروز می‌یابد. در واقع کابینه وحدت ملی دولت چهاردهم، باید به مطالبات ۶۰ درصد عدم مشارکتی‌ها پاسخ بدهد، به خواسته‌ها و نگرانی‌های افرادی که به پزشک‌های رای دادند توجه نشان بدهد، باید تصویری از حضور زنان، قومیت‌های کشور از جمله اهل تسنن، جوانان وhellip در آن بازتاب یافته باشد.

چرا در ایران هرگز کابینه وحدت ملی وجود نداشته است؟

بعضا شاهد بودیم که در دوره‌های قبل، دولت‌ها به خاستگاه و بنیان‌های رای خود توجهی نمی‌کردند. اغلب دولت‌ها به جای مطالبات مردم به دنبال تحقق مطالبات هسته سخت قدرت بودند.

اینکه کابینه فقط به خواسته و مطالبه ۲۰ درصدی قشری که صاحب قدرت و نفوذند و اساسا به پزشک‌های هم رای ندادند توجه کند، معقول نیست. در حالی که نسبت کابینه باید با کلیت جمعیت ایران سنجیده شود. اخیرا با هنر طی مصاحبه‌ای اشاره کرد که کشور فقط متعلق به ۱ الی ۲ میلیون حزب‌اللهی نیست. یعنی مطالبات ۸۵ میلیون ایرانی را نباید گروگان جماعت معدودی قرار داد که هر چند در اقلیت هستند اما نفوذ و صدای بالایی دارند.

اگر فرض بگیریم که دولت چهاردهم به دنبال تشکیل کابینه ملی است، این کابینه چه شرایطی باید داشته باشد؟

اگر قرار است کابینه وحدت ملی تشکیل شود در وهله نخست باید به جمعیت بالای ۸۰ درصدی خواستاران تغییر توجه شود. حتی افرادی که قصد مشارکت در انتخابات نداشتند در دور دوم برای آخرین بار به صندوق‌های رای اعتماد کردند و رای دادند. کابینه چهاردهم اگر می‌خواهد عنوان وحدت ملی را بر تارک خود بنشانند باید زمینه‌ای فراهم کند که در آینده ۵۰ درصد عدم مشارکتی‌ها هم در روند کلی رخدادها حضور داشته باشند. کابینه وحدت ملی، باید امید ایجاد کرده و پیوندهای عمیق‌تری را با اقشار مختلف مردم ایجاد کند. برای این منظور دو کار مهم باید مد نظر قرار بگیرد: اول) ترمیم شکاف جامعه که امروز دو تکه شده است. این شکاف باید سریع‌تر با تدبیر و حسن توجه و درایت پر شود. دوم) ترمیم شکاف بین حاکمیت و مردم است که طی سال‌های اخیر خدشه‌دار شده است.

آیا شاخصی از فراگیر بودن کابینه‌ها طی ۴۵ سال پس از انقلاب داشته‌ایم؟ کدام کابینه را می‌توان نزدیک‌تر با عنوان وحدت ملی در نظر گرفت؟

درکل ۳۰۲ وزیر در سال‌های پس از انقلاب فعالیت کرده‌اند. ۵۸ درصد از این وزرا یک دوره‌ای بوده و تنها یک بار بر صندلی وزارت نشسته‌اند، برخی دیگر از وزرا ۲، ۳، ۴ و حتی ۵ دوره وزارت را تجربه کرده‌اند. حدود ۱۰ درصد از ترکیب وزرای کابینه در اختیار روحانیون بوده است. اما از منظر خاستگاه منطقه‌ای وزرا، اوضاع هرگز مطلوب نبوده است.

از چه نظر فراگیری کابینه‌ها از منظر جمعیتی مناسب نبوده است؟

در ایران ۳۱ استان وجود دارد و در هر استان جمعیت‌ها، اقوام، مذاهب و اقشار مختلف حضور دارند. طبیعی است که نسبت کابینه‌ها با استان‌ها باید یک نسبت معقول باشد. مقام نخست استان‌ها از حضور در کابینه در اختیار تهران است؛ پایتخت کشور سهم ۲۵ درصدی در کابینه‌های دولت‌ها داشته است. مقام دوم در این رنکینگ در اختیار اصفهان است که ۱۲ درصد سهم کابینه‌ها را در سال‌های پس از انقلاب دارا بوده است. تاسف‌آور اینکه استان‌هایی مانند بوشهر یا کهگیلویه و بویراحمد، حتی تجربه یک وزیر را نیز در کابینه‌ها نداشته‌اند! امروز این پرسش مطرح است که اگر قرار باشد مباحث توسعه، پیشرفت و همبستگی و انسجام ملی در ایران مطرح شود، آیا می‌توان بین وزرایی که خاستگاه آنها استان مشخصی بوده با امر توسعه استانی نسبتی برقرار کرد؟ فقدان حضور مدیران ارشد از استان‌های مختلف، خسارات بی‌شماری به فرآیند توسعه وارد ساخته است. بر اساس برخی آمارها اهل تسنن بین ۸ تا ۱۰ درصد جمعیت ایران را شکل می‌دهند، پرسش این است آیا فرصت مناسبی به این قشر در کابینه‌ها متناسب با سهم جمعیتی آنها داده شده است؟ به‌رغم تلاش‌هایی که برای مشارکت این طیف صورت گرفته، آنها هرگز سهمی متناسب با ظرفیت‌ها، جمعیت، توانایی

و… خود نداشته‌اند. لازم است دولت وحدت ملی در سطح وزرا، معاونان رییس‌جمهور، استانداران، مدیران کل و… سهمی در خور به این جمعیت تخصیص بدهد.

البته در دولت موقت، استانداران اهل تسنن مشغول به فعالیت بوده‌اند و…، در مقاطع ابتدایی انقلاب در کابینه مهندس بازرگان در دولت موقت، استاندار کردستان یکی از برادران اهل تسنن بود. اما در سال‌های بعد این روند متوقف شد. دولتی که قصد دارد کابینه وحدت ملی تشکیل بدهد باید به این شاخص‌ها توجه کند.

در مورد به کارگیری زنان هم شاهد محدودیت‌های این‌چنینی بوده و هستیم. این محدودیت‌ها از کجا در ساختارهای فکری و تصمیم‌سازی‌های کشور نفوذ کرده است؟ نیمی از جامعه ایرانی را زنان تشکیل می‌دهند. از بین ۳۰۲ وزیری که طی ۴۵ سال گذشته، فعالیت کرده‌اند، تنها یک جایگاه به زنان ایرانی تخصیص یافته است. یعنی ۳ دهم درصد از کابینه‌ها! در خصوص معاونان رییس‌جمهوری هم تنها در دولت اصلاحات و دولت حسن روحانی شاهد حضور ۵ الی ۱۰ زن در معاونت‌های حقوقی یا سازمان محیط زیست و… بوده‌ایم. این در حالی است که زنان، امروز نقش قابل توجهی در کشور ایفا می‌کنند. این فقدان مختص زنان نیست و درباره جوانان هم صدق می‌کند؛ به جز مقطع ابتدایی انقلاب که جوانان حضور جدی در کابینه‌ها داشته‌اند در سایر دولت‌ها از جوانان استفاده نشده است.

متوسط سن اعضای کابینه در دولت شهید رجایی ۳۶ سال و در دولت روحانی ۵۶ سال است! این امر نشان می‌دهد که جوانان نتوانسته‌اند از فرصت لازم برای بالیدن و دستاوردآفرینی در کابینه‌ها و بالتبع سایر بخش‌های مدیریتی بهره‌مند شوند.

به نظر شما شورای راهبری کابینه چهاردهم تا به امروز به این ضرورت‌ها توجه کرده است؟

باید منتظر رونمایی از کابینه باشیم تا بتوان درباره این موضوع صحبت کرد. این اعداد و ارقام و این شاخص‌ها، مشخص می‌کند که کابینه وحدت ملی باید چه شکل و شمایل و ویژگی‌هایی داشته باشد. شاخص‌هایی مانند جغرافیا، جنسیت، دین و… شاخص‌های مهمی هستند. اما در نهایت مهم‌ترین شاخص، کارآمدی، صداقت و سلامت کابینه است. در هر وزارتخانه و معاونت‌های رییس‌جمهور و استانداری‌ها نهایتاً فرد و افرادی باید حضور داشته باشند که بتوانند مطالبات اکثریت جامعه را محقق کنند. کابینه‌ای که آلوده به فساد نباشد و در عین حال به گفتمان اصلاحات، حاکمیت قانون و آرمان‌های جامعه ایرانی وفادار باشد. در عین حال لازم است به طیف‌های مختلف ایرانی از جمله زنان، جوانان، اهل سنت، استان‌های مختلف و… سهم و جایگاهی متناسب داده شود.